

بیشتر است، این سازمان نمی‌توانست به همه اختلافات فدراسیون‌های دنیا رسیدگی کند به همین دلیل بنا شد هر فدراسیونی چهارچوب و قوانین خود را داشته باشد و به موضوعات داخلی هر کشور، فدراسیون ملی همان کشور رسیدگی کند.

#### احترام فیفا به قوانین ملی

اما چهارچوب‌های اساسی وجود دارد که فیفا تعیین کرده و فدراسیون‌های ملی ملزم به رعایت این قوانین و مقررات هستند، مگر شرایط خاصی باشد که فدراسیون ملی یک کشور نتواند این قوانین را رعایت کند؛ مثلاً یک قانون فیفا اگر قرار باشد در کشوری اجرا شود، جرم تلقی می‌شود. در واقع فیفا می‌خواهد قوانین خود را ضمن احترام به قوانین ملی، اجرا کند.

بنابراین در قرارداد فوتبالی اولاً باید اصول کلی قراردادها رعایت شود؛ مثل اینکه طرفین قرارداد معرفی شوند و مدت و مبلغ قید شود. ثانیاً قوانین و اصول فیفا باید در قراردادها رعایت شود و ثالثاً قوانینی که فدراسیون‌های ملی به صلاحدید خودشان نوشته‌اند، در قرارداد قید شود. وقتی می‌خواهیم این قراردادها را بنویسیم، باید همه این موارد را رعایت کنیم.

مقداری از مشکلات حقوقی فوتبالی از اینجا پیش می‌آید. برخی مدیران ایرانی فکر می‌کنند همه قواعد حقوقی را می‌دانند. این را از تجربه شخصی‌ام می‌گویم. همین مدیران با تصور اینکه قوانین را می‌دانند، خودشان کارها را انجام می‌دهند و قرارداد را پیش می‌برند؛ مثل اتفاقی که درباره پرونده ویلموتس، سرمربی اسبق تیم ملی کشورمان افتاد. مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال ایران در مصاحبه‌ای تلویزیونی گفت که ما تغییرات لازم را در مذاکره اعمال کردیم. همین تغییرات لازم که تاج می‌گوید، به آنجا رسید که فیفا حکم به ابطال شروط در قرارداد را صادر کرد. این اتفاق در حالی رخ داد که مدیران فوتبالی ما فکر می‌کردند همه چیز را بلدند.

اگر از این مدیران عبور کنیم و بتوانیم مدیری با سطح دانش حقوقی بالا بر سرکار بگذاریم، به فیلتر معاونان حقوقی باشگاه می‌رسیم که بعضاً قوانین کشور خودمان را هم نمی‌دانند اما در باشگاه فوتبال جایگاهی به دست می‌آورند و برای دیده شدن این جایگاه را می‌پذیرند. همین امر باعث بروز

خسارت‌های زیادی به ما می‌شود. نکته این است که در قراردادهای ما شروطی را اضافه می‌کنند که احتمالاً برگرفته از فضای حقوقی کشورمان و قوانین داخلی ما است و مدیران فوتبالی فکر می‌کنند که می‌توان این شروط را در آن قراردادها هم لحاظ کرد. گاهی نماینده حقوقی بازیکن شروطی را به نفع باشگاه در قرارداد می‌گذارد و مطالبه دستمزد بالاتر می‌کند در صورتی که این شروط باطل است.

این شروط چه مواردی را شامل می‌شود؟ شروطهایی که کاملاً یک جانبه و به نفع باشگاه باشد. در قرارداد بازیکنان تیم مثلاً قید می‌شود که اگر بازیکن مصدوم شد، باشگاه حق فسخ قرارداد را دارد. یا اگر اتفاق خاصی افتاد، یک جانبه می‌تواند دستمزد را کم کند یا قرارداد را فسخ کند. یا شرط می‌گذارند که بنابر صلاحدید مدیرعامل، ۳۰ درصد از دستمزد کم شود یا مثلاً به ازای هر جلسه غیبت در تمرین، بازیکن مقدار معینی جریمه شود.

#### برخی از مدیران فوتبالی ما می‌گویند که باید قراردادها را به گونه‌ای بنویسیم که بازیکن نتواند قرارداد را فسخ کند، مثلاً در صورتی که چند ماه عقب افتاد، قرارداد را فسخ کند یا شرایط را نداشته باشد. با چنین شرطی باشگاه دارد یک حق اساسی از بازیکن را می‌گیرد بنابراین چنین شروطی اگر در قرارداد بیاید، باطل است و وقتی این شرط باطل باشد، باشگاه نمی‌تواند براساس آن اقدامی داشته باشد.

برخی مدیران چنین شروطی را برای حل معضل بحث‌های غرامت و باختن پرونده‌ها پیشنهاد می‌کنند در صورتی که اگر کسی آشنایی کمی با حقوق فوتبال داشته باشد، می‌داند که چنین شرطی را نمی‌تواند بگذارد. شرط‌هایی مثل تمديد یک جانبه، یا قرار دادن حق فسخ برای باشگاه و سلب این حق از بازیکن، یا تأیید صلاحدید باشگاه. گاهی در قرارداد غرامت را به یک اندازه تعیین نمی‌کنند. باشگاه در قرارداد می‌آورد که مثلاً اگر بازیکن قرارداد را فسخ کرد، یک میلیون دلار غرامت بدهد و اگر باشگاه فسخ کرد، مثلاً ۱۰ هزار دلار غرامت بدهد. این غرامت باید برای طرفین یکسان و برابر باشد. اگر این مبلغ

اینها نمونه‌هایی از شرط‌های یک جانبه و باطل هستند. ممکن است نماینده بازیکن خارجی به باشگاه بگوید که قرارداد را با مبلغ بالاتری ببندد، اما شرط فسخ در نیم فصل را به باشگاه بدهد. مدیر باشگاه هم قبول می‌کند و با خود می‌گوید که در نیم فصل مبلغ دستمزد را کم می‌کنم و اگر بازیکن خوبی نبود، برای بقیه فصل، قرارداد را فسخ می‌کنم. در نیم فصل باشگاه قصد فسخ قرارداد را می‌کند و نماینده حقوقی بازیکن در صورت فسخ قرارداد، از باشگاه شکایت می‌کند. باشگاه هم به امید استفاده از چنین شرطی، قرارداد را فسخ می‌کند. در فیفا طرح دعوی می‌شود و باشگاه می‌بازد و مجبور به پرداخت غرامت می‌شود.

این در حالی است که فیفا اصول و چهارچوب‌هایی را تعیین کرده و نمی‌توانیم این اصول را تغییر دهیم. در واقع حق نداریم به آنها دست بزنیم. این اصول حداقل‌هایی است که برای حفظ حقوق بازیکنان و مربیان تعیین شده مانند آنچه در قانون و حقوق کار دیده شده است. ما اجازه نداریم از آن حقوق کمتر قرارداد ببندیم. یکی از این حقوق این است که اگر باشگاه دستمزد بازیکن یا مربی را ۲ ماه پرداخت نکرد، بازیکن یا مربی اخطار برای باشگاه می‌فرستد و بعد از ۱۵ روز، باشگاه اگر مبلغ را تسویه نکرد، قرارداد فسخ می‌شود و بقیه ماجرا.

#### تلاش برای دور زدن فیفا

برخی از مدیران فوتبالی ما می‌گویند که باید قراردادها را به گونه‌ای بنویسیم که بازیکن نتواند قرارداد را فسخ کند. مثلاً در صورتی که چند ماه دستمزد بازیکن عقب افتاد، نتواند قرارداد را فسخ کند یا حق ارسال اخطار را نداشته باشد. با چنین شرطی باشگاه دارد یک حق اساسی از بازیکن را می‌گیرد بنابراین چنین شروطی اگر در قرارداد بیاید، باطل است و وقتی این شرط باطل باشد، باشگاه نمی‌تواند براساس آن اقدامی داشته باشد.

برخی مدیران چنین شروطی را برای حل معضل بحث‌های غرامت و باختن پرونده‌ها پیشنهاد می‌کنند در صورتی که اگر کسی آشنایی کمی با حقوق فوتبال داشته باشد، می‌داند که چنین شرطی را نمی‌تواند بگذارد. شرط‌هایی مثل تمديد یک جانبه، یا قرار دادن حق فسخ برای باشگاه و سلب این حق از بازیکن، یا تأیید صلاحدید باشگاه. گاهی در قرارداد غرامت را به یک اندازه تعیین نمی‌کنند. باشگاه در قرارداد می‌آورد که مثلاً اگر بازیکن قرارداد را فسخ کرد، یک میلیون دلار غرامت بدهد و اگر باشگاه فسخ کرد، مثلاً ۱۰ هزار دلار غرامت بدهد. این غرامت باید برای طرفین یکسان و برابر باشد. اگر این مبلغ

را باشگاه جابه‌جا کند، باز هم ماده‌ای باطل به قرارداد اضافه کرده است.

ما چنین مواردی داشته‌ایم؟  
بله، خیلی هم زیاد.

اگر بازیکنان داخلی در قرارداد با تیم‌های کشور خودشان با چنین مشکلاتی مواجه شوند، می‌توانند به فیفا شکایت کنند؟  
پرونده بازیکنان داخلی در کمیته وضعیت فدراسیون ملی و بعد هم در کمیته استیناف بررسی می‌شود و اگر بخواهند، می‌توانند پرونده را در دیوان داوری ورزش مطرح کنند. حتی اگر شکایت بازیکنان داخلی از تیم‌های داخلی درباره اصول اولیه فیفا باشد، باز هم نمی‌توانند به فیفا شکایت ببرند؛ فیفا این موارد را هم به فدراسیون‌های داخلی واگذار کرده است؟

اختلافات قراردادی بین بازیکنان ایرانی و یک باشگاه ایرانی فقط در فدراسیون ایران قابل بررسی است مگر اینکه بخواهند از رأی کمیته استیناف در دیوان عالی ورزش اعتراض کنند.

فیفا آیا حمایت‌های بین‌المللی دیگری دارد که بتواند کشورها را به رعایت قوانین وادار کند؟

اگر فدراسیون‌ها قوانین را رعایت نکنند، فیفا وارد عمل می‌شود و به باشگاه یا فدراسیون یک کشور اخطار می‌دهد که شما موظف هستید این موارد را رعایت کنید. اما اگر این امور از سوی فدراسیون‌ها یا باشگاه‌ها رعایت نشد، فیفا برخورد می‌کند و این برخورد به مواردی که رعایت نشده، بازمی‌گردد. گاهی پرونده این باشگاه‌ها در کمیته انضباطی اخلاق فیفا تشکیل می‌شود و گاهی هم عضویت در فیفا را تعلیق می‌کند، تا زمانی که شرایط به گونه‌ای باشد که فیفا اعمال قوانین را ببیند.

در تاریخ فوتبال موردی بوده که فیفا فدراسیون فوتبال کشوری را به حالت تعلیق درآورد؟

بله، کشورهای آفریقایی و پاکستانی تجربه تعلیق را داشتند. تعلیق فدراسیون فوتبال پاکستان یکی دو سال اخیر بود. فدراسیون ما هم یک دوره تعلیق شده و یک دوره هم تا نزدیک تعلیق شدن رقتیم ولی خدا را شکر به این مرحله نرسید. قوانین جدید برگرفته از پرونده‌های است به نام آقای بوسمن که یک بازیکن بلژیکی بود و نسبت به قوانین موجود در فدراسیون ملی کشورش اعتراض داشت. دعاوی را مطرح کرد و نهایتاً توانست پرونده را به اتحادیه اروپا ببرد. اتحادیه اروپا به مقررات فیفا پرداخت و فیفا یوفا را ملزم کرد تا قوانین خود را بر اساس اصولی که در معاهده اتحادیه اروپا بود، تغییر دهند.

این اتفاقات مربوط به دهه ۹۰ میلادی است. چون فیفا و یوفا شخصیت حقوقی مستقل دارند و شرکت خصوصی محسوب می‌شوند، باید قوانین و مقررات اتحادیه اروپا را رعایت کنند تا در اتحادیه حضور داشته باشند. بنابراین مجبور شدند در قوانین خود تغییراتی ایجاد کنند که همین تغییرات پایه قوانین فعلی فیفا را شکل داد که روز به روز تغییر می‌یابد و توسعه پیدا می‌کند.

سازمان ملل یا دادگاه‌های بین‌المللی هم حمایت می‌کنند از فیفا برای اجرای قوانین؟  
سازمان‌های جهانی نقشی در اجرای قوانین فیفا ندارند.

یعنی فیفا از ابزارهای خود یعنی تعلیق و جریمه می‌تواند برای الزام

## قراردادهای بازیکنان فوتبال اصولی دارد که برگرفته از اصول کلی حقوقی است. در همه دنیا هم این اصول کلی حقوقی را پذیرفته‌اند و اجرا می‌کنند. در محاکم ایران، اتحادیه اروپا، آفریقا و... وجود دارد چون برگرفته از صفت و ذات انسان است. معاملات تجاری و هر معامله دیگر هم پایبند به این اصول است

فدراسیون‌ها در عمل به قوانین استفاده‌کنند؟

هم ابزار جریمه، هم ابزار محکوم کردن افراد و هم تعلیق فدراسیون‌ها را در اختیار دارد.

چه نهادی به تخلفات فیفا رسیدگی می‌کند؟  
بستگی دارد تخلف از چه نوعی باشد. اگر تخلفات فیفا مربوط به امور داخلی این نهاد باشد، کمیته‌های اخلاق و انضباطی فیفا این موضوعات را رسیدگی می‌کنند. اگر بحث جرایم باشد مانند آنچه در پرونده سپ بلاتر، رئیس وقت فیفا رخ داد که بحث فساد مالی خیلی بزرگی مطرح شد، کشور آمریکا به موضوع رسیدگی کرد و حکم حبس برای برخی افراد متخلف صادر کرد چون تخلف با ارز دلار صورت گرفته بود.

با توجه به اینکه مشکلات حقوقی مان در قراردادهای فوتبالی بیشتر شده، به نظر شما آیا همت و حمیتی از سوی مسئولان کشورمان برای کاهش چنین مشکلاتی وجود دارد؟ آیا می‌توانیم بگوییم در حل نشدن مشکلات حقوقی فوتبالی، عمد یا دست‌های پشت پرده در کار است؟

همتی که به معنای واقعی کلمه وجود ندارد. باید بگویم که وقتی یک نفر می‌خواهد کوهنوردی کند، باید لوازم کوهنوردی را بشناسد، با مسیر آشنا باشد و... وقتی فرد با هیچ کدام از این موارد آشنا نباشد، هر چقدر هم تلاش کند، کافی نیست. اگر بخواهم این مثال را با وضعیت فوتبال کشور تطبیق دهم، می‌گویم که اکثر مدیران فوتبالی ما بویژه در ۱۰ سال اخیر، شاید همت فتح اورت را با بکنند اما از کوهنوردی فقط این را می‌دانند که کفش مخصوص می‌خواهد و هیچ اطلاعات دیگری ندارند. این مشکل اساسی ما در فوتبال است.

نبود همت و حمیت برای اصلاح امور فوتبالی

اینکه در این وضعیت عمدی وجود دارد یا نه؟ طبیعتاً وقتی یک بازیکن خارجی به ایران می‌آید در حالی که در کشور خود قراردادی مثلاً ۱۰ هزار دلاری بسته و در ایران قرارداد با رقمی ۱۰ برابر منعقد می‌کند، شاید عجیب باشد. این فرد برای حضور در ایران شاید دو برابر مبلغ قرارداد در کشور خود را بخواهد و طبیعی است، اما مبلغ چندین برابر اصلاً طبیعی نیست. اگر دقت کنیم، متوجه می‌شویم که چه اتفاقی افتاده است و فساد مالی را می‌بینیم. موضوعی که مانع ما برای انجام بسیاری از اقدامات حقوقی در فوتبال می‌شود.

از سوی دیگر، مشکل ما به این بازمی‌گردد که بسیاری از مدیران فوتبالی ما موضوعات ساده حقوقی را نمی‌دانند یا می‌دانند و تجربه کرده‌اند، اما انگار به عواقب کارشان فکر نمی‌کنند. مدیرعامل قرارداد سنگینی را می‌بندد و می‌داند نمی‌تواند پرداخت کند اما با خود می‌گوید وقتی این قرارداد به شکایت برسد، من دیگر مدیرعامل این باشگاه نیستم و کسی هم با من کاری نخواهد داشت. نهایت داستان، چند مطلب در روزنامه‌ها و سایت‌های خبری ورزشی است که مشکلی ایجاد نمی‌کند. این باعث می‌شود که برخی مدیران فوتبالی تعهدات مالی را بیشتر از چیزی که قاعده یا توان مالی باشگاه است، ایجاد می‌کنند. مثلاً مدیر باشگاه می‌داند که بودجه‌اش ۴۰۰ میلیارد است، اما قراردادی ۸۰۰ میلیاردی می‌بندد و طبیعی است که نمی‌تواند تعهدات مالی قرارداد را پرداخت کند.



**طبیعتاً وقتی یک بازیکن خارجی به ایران می‌آید در حالی که در کشور خود قراردادی مثلاً ۱۰ هزار دلاری بسته و در ایران قرارداد با رقمی ۱۰ برابر منعقد می‌کند، شاید عجیب باشد. این فرد برای حضور در ایران شاید دو برابر مبلغ قرارداد در کشور خود را بخواهد و طبیعی است، اما مبلغ چندین برابر اصلاً طبیعی نیست. اگر دقت کنیم، متوجه می‌شویم که چه اتفاقی افتاده است و فساد مالی را می‌بینیم**

